

بررسی و آسیب‌شناسی هدفمندسازی پرداخت یارانه‌ها

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۱۴ تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۲/۱۰

غلام‌رضا مصباحی‌مقدم*

حمیدرضا اسمعیلی‌گیوی**

مهدی رعایائی***

چکیده

در حال حاضر کشور ما در ساختارهای تولیدی، مدیریت مصرف انرژی و توزیع عادلانه یارانه‌ها دچار مشکل‌های اساسی است. تولید در ایران بر پایه انرژی ارزان (تقریباً رایگان) بنیان‌گذاری شده است و به همین جهت بهره‌وری انرژی بسیار پایین است. همچنین اتکای کشور به مصرف انرژی حاصل از نفت و گاز که تجدید ناپذیر هستند در آینده‌ای نه چندان دور ما را با خطر بن‌بست روبه‌رو خواهد کرد، در همان حال توزیع یارانه‌ها نیز به شدت ناعادلانه است. برای اصلاح ساختارهای تولیدی کشور، مدیریت بهینه مصرف انرژی و توزیع عادلانه یارانه‌ها، هدفمندسازی یارانه‌ها با استفاده از مناسب‌ترین شیوه، ضرور به نظر می‌رسد.

پژوهش کاربردی حاضر با استفاده از روش تحقیق پیمایشی که برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها نیز از روش کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان استفاده کرده است، به بررسی و آسیب‌شناسی تغییر شیوه فعلی پرداخت یارانه‌ها و نقصدی‌کردنشان و ارائه طرح کلی کارآمدتر جهت پرهیز از خطرات احتمالی‌ای که این طرح برای اقتصاد خواهد داشت، پرداخته و الزام‌هایی را که برای اجرای این طرح نیاز است، مطرح می‌کند.

واژگان کلیدی: یارانه، عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی، پرداخت نقدی، هدفمندسازی.

طبقه‌بندی JEL: H20, H11, I38

مقدمه

تولید در ایران بر پایه انرژی ارزان (تقریباً رایگان) بنیان‌گذاری شده است. به همین جهت بهره‌وری انرژی بسیار پایین (تقریباً یک سوم بهره‌وری انرژی در جهان و یک ششم بهره‌وری انرژی در اروپا) است. ما اکنون از ماشین‌آلات تولیدی‌ای استفاده می‌کنیم که ده‌ها سال از عمر مفید آنها طی شده و فرسوده شمرده می‌شوند و یا در کشورهای صنعتی عمر مفید خود را گذرانده و از رده خارج، هستند اما به کشور ما انتقال یافته و مورد استفاده قرار می‌گیرند. ماشین‌آلات پیش‌گفته از فناوری قدیمی استفاده کرده و انرژی بسیار مصرف می‌کنند در حالی که اکنون ماشین‌آلات با فناوری‌های نو و مصرف کم انرژی در اقتصادهای رو به رشد باعث تولید بیشتر با هزینه کمتر شده‌اند، برای مثال، در صنعت حمل‌ونقل، کاروان حمل‌ونقل ما به‌طور عمده فرسوده شده کامیون‌هایی با حدود چهل سال کار در هر صد کیلومتر حدود شصت لیتر گازوئیل مصرف می‌کنند. این در حالی است که کامیون‌های با مصرف بیست لیتر و کمتر می‌توانند این مسافت را طی کنند. در تولید برق به‌طور عمده از گاز استفاده می‌کنیم چون ارزان است و به سمت تولید برق از انرژی خورشیدی، باد و گرمایی زمینی نرفتمیم زیرا با وجود گاز ارزان برای استفاده از انرژی‌های دیگر ضرورتی پدید نیامده است. در بسیاری از موارد دیگر نیز این مسئله صدق می‌کند.

اتکای کشور به مصرف انرژی حاصل از نفت و گاز که تجدید ناپذیر هستند در آینده‌ای نه چندان دور ما را با خطر بن‌بست روبه‌رو خواهد کرد. از سویی چاه‌های نفت ما نیمه دوم عمر خود را طی می‌کند و برای حفظ قدرت تولید نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین صد تا صد و پنجاه میلیارد دلار دارد. از سوی دیگر نرخ رشد مصرف هشت‌صدم سالانه، ما را با وضعیتی روبه‌رو خواهد کرد که تمام تولید نفت خود را در داخل به فرآورده تبدیل کرده و مصرف کنیم و امکان صادرات نفت خام یا فرآورده‌های آن برای ما ممکن نخواهد بود بلکه پس از آن نقطه واردکننده محض حامل‌های انرژی خواهیم بود. ضرورت مدیریت مصرف انرژی، ما را به سوی اصلاح قیمت‌های نسبی حامل‌های انرژی سوق می‌دهد تا از این راه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را به مصرف کمتر تشویق کنیم.

با بررسی‌های انجام‌شده درباره مصرف سرانه انرژی در کشور معلوم شده است که

خانوارهای دهک دهم درآمدی جامعه بیش از سی برابر خانوارهای دهک اول درآمدی جامعه از انواع انرژی‌ها استفاده می‌کنند و به تبع آن بیش از سی برابر یارانه انرژی را به خود اختصاص می‌دهند. این توزیع به شدت ناعادلانه است. اصلاح قیمت‌های نسبی حامل‌های انرژی باعث می‌شود مصرف‌کنندگان پرهزینه، قیمت واقعی کالاها و خدمات را بپردازند و مصرف خود را متعادل سازند. بخشی از درآمد حاصل از اصلاح قیمت‌ها می‌تواند بین خانواده‌های محروم بازتوزیع شود و آنها را در طی دوره میان‌مدت توانمند سازد و بخشی دیگر از آن برای اصلاح ساختارهای تولید و استفاده از فناوری‌های نوپا، مصرف کمتر انرژی تخصیص یابد.

برای اصلاح ساختارهای تولیدی، مدیریت مصرف انرژی و توزیع عادلانه یارانه‌ها، هدفمندسازی یارانه‌ها و استفاده از کاراترین ابزار برای انجام این امر ضرور است. می‌توان گفت کسی به حذف کل یارانه‌ها باور ندارد؛ زیرا جزو وظیفه‌های دولت‌ها است که برای کمک به اقشار کم درآمد و اصلاح توزیع درآمد، یارانه پرداخت کنند اما مسئله اصلی این است که چگونه باید یارانه‌ها را پرداخت کنیم تا به هدف برسیم؟

تحقیق پیش‌رو به بررسی نقاط ضعف و قوت، ضرورت‌ها و الزام‌های اجرای طرح هدفمندکردن یارانه‌ها می‌پردازد و در پی آن است تا با استفاده از روش پیمایشی در جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و روش کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان، به بررسی و آسیب‌شناسی تغییر شیوه فعلی پرداخت یارانه‌ها و نقدی کردن آن و ارائه طرحی کارآمدتر جهت پرهیز از خطرهای احتمالی که طرح برای اقتصاد خواهد داشت، پرداخته و الزام‌هایی را که برای اجرای این طرح نیاز است، مطرح کند.

مروری بر ادبیات تحقیق

درباره هدفمندکردن یارانه‌ها پژوهش‌های ذیل انجام شده است:

۱. فرج‌زاده و نجفی (۱۳۸۳)، در مقاله «اثرات کاهش یارانه مواد غذایی بر

مصرف‌کنندگان در ایران»، برای نقدی کردن یارانه‌های مواد غذایی پیشنهاد می‌کنند:

«ابتدا، دهک‌های درآمدی در مناطق شهری و روستایی شناسایی شود و توزیع یارانه‌ای

کالاها در میان دهک‌های واقع در زیر خط فقر صورت گیرد. توزیع یارانه‌ای این کالاها در

- میان دهک‌های درآمدی بالا تدریجی کاهش یابد» (فرج‌زاده و نجفی، ۱۳۸۳: ۱۵۶ - ۱۳۵).
۲. پژوهیان و امین‌رشتی (۱۳۸۳) در مقاله با عنوان «پارانه‌ها و خطاهای نوع اول و دوم» این مسئله را که نظام حمایتی برای آنکه کارآمد باشد، باید هدفمند عمل کند، از هدفمند شدن پارانه‌ها دفاع می‌کند (پژوهیان و امین‌رشتی، ۱۳۸۳: ۳۵ - ۱۳)؛
۳. قادری و همکاران (۱۳۸۴) در مقاله «بررسی تاثیر پرداخت یارانه مستقیم انرژی بر شاخص‌های کلان اقتصادی با نگرش سیستمی»، مدلی را برای پرداخت یارانه انرژی به صورت مستقیم ارائه کرده‌اند (قادری، رزمی و صدیقی، ۱۳۸۴: ۵۳۷ - ۵۲۷)؛
۴. دینی ترکمانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «پارانه‌ها، رشد و فقر» ضمن بررسی دو دیدگاه رقیب موجود نئوکلاسیک و توسعه‌ای نهادگرا - ساختارگرا، می‌کوشد میزان کفایت و مناسبت تبیینی آنها را بر مبنای تجربه‌ای تاریخی مربوط به اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری و تثبیت اقتصادی و سازگاری چارچوب‌های تبیینی پیش‌گفته با شرایط خاص اقتصادها از جمله اقتصاد ایران را ارزیابی کند (ترکمانی، ۱۳۸۴: ۳۰ - ۱)؛
۵. ابونوری و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله با عنوان «ارزیابی آثار اقتصادی یارانه بنزین بر میزان مصرف آن در ایران، یک تحلیل تجربی (۱۳۵۰ - ۱۳۸۲)» به بررسی تأثیر پرداخت یارانه در افزایش میزان مصرف بنزین در کشور پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که هدفمند کردن یارانه به منظور کاهش و استفاده بهینه مصرف بنزین و جلوگیری از هدر رفتن منابع مالی ضرور است (ابونوری، جعفری صمیمی و محنت‌فر، ۱۳۸۵: ۵۸ - ۳۳)؛
۶. عبادی و قوام (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «هدفمندسازی یارانه دارو، از دو منظر عدالت و کارایی» به بررسی فرایند هدفمندسازی یارانه دارو طی سال‌های ۷۶ - ۸۴ از دو دید عدالت توزیعی در بخش درمان و تغییرهای کارایی در بخش صنعت دارو، پرداخته‌اند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد با وجود افزایش کارایی در صنعت دارویی کشور طی سال‌های پیش‌گفته که به صورت رقابتی‌تر شدن بازار دارویی و افزایش تولید دارو تجلی کرده و وضعیت عدالت توزیعی در بخش بهداشت و درمان از دید توانایی افراد برای دسترسی به دارو، تفاوت چشم‌گیری نداشته است (عبادی و قوام، ۱۳۸۸: ۱۶۲ - ۱۳۱).
- پژوهش حاضر با بررسی آثار هدفمند کردن پرداخت نقدی یارانه به بحث درباره این جراحی بزرگ اقتصادی پرداخته تا نقص پژوهش‌های سابق را برطرف کند. با توجه به

اینکه یارانه یکی از ابزارهای حمایتی بوده و برای مبارزه با عدم تعادل‌های اقتصادی استفاده می‌شود تفسیرهای متفاوتی از این ابزار وجود دارد. ابتدا به بیان برخی تعریف‌ها پرداخته سپس هدف‌های پرداخت یارانه، انواع یارانه‌ها، روش‌های پرداخت آن تشریح می‌شود.

تعریف یارانه

تعریف‌های گوناگونی درباره یارانه وجود دارد، در ادامه برخی از آنها ارائه می‌شود: «یارانه عبارت است از پرداخت مستقیم یا غیرمستقیم دولتی، امتیاز اقتصادی یا اعطای مزایای خاصی که به مؤسسه‌های خصوصی، خانوارها و دیگر واحدهای دولتی جهت رسیدن به هدف‌های مورد نظر دولت صورت می‌پذیرد» (وزارت بازرگانی، ۱۳۸۰). کمک مالی دولت به تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان در صنعتی به منظور جلوگیری از رکود آن صنعت، به علت استراتژیک بودن آن یا مسائلی مانند جلوگیری از افزایش قیمت محصول‌ها و تشویق آن صنعت به سرمایه‌گذاری و اشتغال بیشتر را یارانه گویند (تودارو، ۱۳۶۸ و Foster, 1986: 778 - 786).

یارانه به هر گونه پرداخت انتقالی که به منظور حمایت از اقشار کم درآمد و بهبود توزیع درآمد از محل خزانه دولت صورت گرفته و قابل واریز به خزانه بوده یا به صورت نقدی یا کالایی به خانوارها و تولیدکنندگان کالاها و خدمات تعلق می‌گیرد اطلاق می‌شود (سازمان مدیریت، ۱۳۸۰ و OECD, 2005).

هدف‌ها و روش‌های پرداخت یارانه

هدف از پرداخت یارانه برقراری عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و توزیع عادلانه درآمدها است و این پرداخت‌ها به یکی از روش‌های ذیل صورت می‌گیرد:

- ا. انتقال درآمد از مالیات‌دهندگان به تولیدکنندگان یا مصرف‌کنندگان؛
- ب. تثبیت یا کاهش قیمت برخی از کالاها و خدمات؛
- ج. اثرگذاری بر رفتار عرضه‌کنندگان یا تقاضاکنندگان کالاها و خدمات معین؛
- د. تولید و ارائه کالاهای عمومی به تمام افراد جامعه (بابایی، دینی، رییس دانا، رفیعی، غروی‌نخجوانی، ۱۳۸۰: ۱۰۹ و رحیمی، ۱۳۷۵: ۳۲).

انواع یارانه

یارانه‌ها را از لحاظ هدف‌های دولت، مراحل پرداخت، چگونگی طبقه‌بندی در حساب‌های ملی، چگونگی انعکاس در حساب‌های ملی و چگونگی توزیع می‌توان به پنج گروه تقسیم کرد که در ذیل برای رعایت اختصار به دسته‌بندی‌ها اشاره می‌شود:

جدول ۱: انواع یارانه

انواع یارانه	اساس دسته‌بندی یارانه
اقتصادی، توسعه‌ای، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی	براساس هدف‌های دولت
مصرفی، تولیدی، توزیعی، خدماتی و صادراتی	براساس مراحل پرداخت
مستقیم و غیرمستقیم	براساس چگونگی طبقه‌بندی
آشکار و پنهان	براساس چگونگی انعکاس در حساب‌های ملی
یارانه باز، یارانه سرانه و یارانه هدفمند	براساس چگونگی توزیع

روش‌های پرداخت یارانه

تجربه کشورهای گوناگون نشان می‌دهد که عمده‌ترین روش‌های پرداخت یارانه در بخش مصرف، «نظام نقدی»، «نظام کالایی»، «نظام همگانی قیمتی» و «نظام کالابری» است که در ادامه بررسی می‌شوند (Nafziger, 1990: 218-335 و Barr, 2004: 233 - 260):

۱. نظام نقدی

تحت این نظام، یارانه به دو صورت مستقیم و مشروط پرداخت می‌شود:

یارانه نقدی مستقیم

این نوع یارانه در قالب «پول نقد» به فقیران و کسانی که در معرض خطر احتمالی بوده و در صورت فقدان پرداخت‌ها دچار فقر و تنگدستی خواهند شد، پرداخت می‌شود.

یارانه به صورت مشروط

در این نوع، فقیران موظف هستند مبلغ یارانه را صرف سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی چون سرمایه انسانی مانند: حضور فرزندان در مدارس یا استفاده از خدمات بهداشتی کنند.

۲. نظام کالایی

هدف این نظام اطمینان از دسترسی خانوارها به حداقل نیاز مصرفی است. طرفداران این شیوه باور دارند از آنجایی که میل نهایی به مصرف این نوع یارانه بیش از یارانه‌های نقدی است، اثرهای مثبت بیشتری داشته و احتمال اصابت آن به هدف خاص بیشتر است. بر پایه نظریه‌های کلان اقتصادی، اثر توزیع کالای یارانه ای بر سطح مصرف خانوارها، رابطه مستقیمی با میزان یارانه اعطایی دارد. چنانکه مقادیر یارانه‌ای بیش از مصرف معمول خانوار باشد، آنگاه بخشی از هزینه صرف شده بر کالای یارانه‌ای ذخیره شده و از این دید مانند نظام نقدی عمل می‌کند.

۳. نظام همگانی قیمتی

در این نظام، بخش عمده یارانه به کالاهایی که سهم بیشتری در سبد مصرفی خانوارهای نیازمند دارند، تخصیص می‌یابد و به شکل‌های ذیل امکان‌پذیر است:

أ. در صورت عدم تولید کالاهای یارانه‌ای در داخل کشور، دولت از راه واردات، اقلام مدنظر را به قیمت معین خریداری کرده و از راه شبکه‌های توزیع به قیمت کمتر در اختیار مصرف‌کنندگان فقیر قرار می‌دهد؛

ب. در صورت تولید کالا در داخل، دولت به وسیله قیمت‌گذاری، بخشی از هزینه‌های تولید کالاهای داخلی را به صورت مالیات بر تولیدکننده تحمیل می‌کند؛

ج. در منطقه جغرافیایی خاص می‌تواند محصول‌های داخلی را به قیمت تضمینی خریداری کرده و به قیمت کمتر در اختیار مصرف‌کننده قرار دهد.

۴. نظام کالابری

در بیشتر موارد کالابری ارزش پولی مشخصی داشته و با استفاده از آن می‌توان کالاهای مشخصی را خریداری کرد.

تاریخچه پرداخت یارانه

در این قسمت تاریخچه پرداخت یارانه در جهان و ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تاریخچه پرداخت یارانه در جهان

تاریخچه یارانه در جهان از دوران انقلاب صنعتی و پیدایش مکتب سوداگری آغاز شد. به باور طرفداران این مکتب، ثروت هر کشور به میزان ذخیره‌های طلا و فلزات گران‌بهای آن بستگی داشت و به منظور جمع‌آوری ذخیره‌های طلای کشورهای دیگر لازم بود کالاهایی تولید شود که بتواند به بازارهای کشورهای دیگر صادر شود. در این دوره تشویق و حمایت از تولیدهایی که بازار مناسبی در جهان داشت، مورد توجه قرار گرفت و دولت به حمایت از برخی تولیدهای خاص مبادرت کرد. با ظهور مکتب لاسیک که پیروان آن به دست نامرئی بازار و عدم دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی باور داشتند، سیاست‌های پیش‌گفته مورد تردید قرار گرفت (قادری، رزمی و صدیقی، ۱۳۸۴: ۵۲۸). این وضعیت تا زمان جنگ جهانی دوم ادامه داشت و از آن پس با توجه به شرایط پدیدآمده، دولت‌ها ناچار به دخالت بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی شدند که سهمیه‌بندی و قیمت‌گذاری کالاها از آن جمله بود. با خاتمه جنگ جهانی و آغاز دوره جنگ سرد، قدرت اقتصادی در روابط بین‌المللی اهمیت یافت و بسیاری از کشورهای جهان برای دستیابی به قدرت اقتصادی بیشتر به اتخاذ سیاست‌های حمایتی پرداختند که این سیاست‌ها در کشورهای جهان سوم هنوز هم ادامه دارد (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۲۹۸).

تاریخچه پرداخت یارانه در ایران

در ایران پرداخت یارانه‌ها به صورت فعلی به حدود نیم قرن پیش می‌رسد. انقلاب اسلامی پیام‌آور عدالت در تمام زمینه‌ها بود. در جهت رسیدن به این هدف در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، گرچه در تشکیلات اجرایی و چگونگی توزیع کالاهای یارانه‌ای تغییرهایی پدید آمد، اما هم‌چنان روند پرداخت یارانه‌ها تداوم یافت و تحول‌های اوایل انقلاب به‌طور طبیعی نظام پرداخت یارانه را در جهت توزیع عادلانه‌تر درآمدها سوق داد. در سال‌های نخستین پس از انقلاب، مصرف برخی از کالاها مانند: نان، قند، شکر و سوخت هم‌چنان مشمول یارانه بود. در ادامه اجرای سیاست تثبیت اقتصادی که تا پایان جنگ تحمیلی ادامه داشت، هدف‌هایی مانند: دستیابی به رشد اقتصادی، تولید انبوه، مزیت‌های نسبی، گرایش سرمایه‌گذاری‌ها به فعالیت‌های تولید و اصلاح ساختار اقتصادی

تحت‌الشعاع تصمیم‌های سیاسی و سیاست‌های حمایتی و تداوم پیروزمندانه دفاع مقدس قرار گرفت. پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ دولت برای بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ و توسعه اقتصادی، برنامه اول را ارائه کرد. سیاست حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در قالب پرداخت یارانه کالاهای اساسی نیز اعمال شد. دیدگاه کلی مسئولان اقتصادی در طول برنامه دوم، گرایش عملی به سمت توزیع کالاهای یارانه‌ای به صورت تعادلی، تنظیم بازار صنفی و صنعتی یا حتی بازار آزاد و در نتیجه کاهش یارانه‌ها بود. به این ترتیب بحث کاهش و حذف یارانه‌ها از بودجه دولت که از اوایل دهه ۱۳۷۰ اوج گرفته بود، در طول برنامه دوم ملموس‌تر شد. در برنامه سوم، هدفمند ساختن یارانه‌ها به نفع گروه‌های کم‌درآمد و کاهش سهم یارانه و قطع تدریجی آن برای خانوارهای پر درآمد مورد توجه قرار گرفت (همان: ۳۰۵). در برنامه چهارم در جهت ارتقای نظام یارانه‌ها، دولت مکلف شد به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهک‌های درآمدی در توزیع عادلانه درآمد، کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقیران از راه تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و پرداخت یارانه، برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را به اجرا بگذارد.

سال‌های ۸۱-۶۸ به‌طور متوسط سالانه ۱/۵۲ درصد یارانه‌ها رشد یافته است. گرچه براساس قانون برنامه سوم توسعه قرار بود یارانه‌ها هدفمند شوند اما با تغییر مدیریت در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و کمبود وقت، روال سابق در سال ۱۳۸۱ نیز ادامه یافت. این شیوه پرداخت یارانه نه تنها رفع فقر، محرومیت و کاهش نابرابری‌های اجتماعی را به همراه نداشته، بلکه باعث عمیق‌تر شدن فاصله طبقاتی نیز شده است.

مشکلات نظام فعلی پرداخت یارانه

پرداخت یارانه‌های آشکار و پنهان در جایگاه مهم‌ترین سیاست‌های حمایتی در اقتصاد ایران طی نیم قرن گذشته همواره روند صعودی داشته و بخش مهمی از منابع مالی دولت را به خود اختصاص داده است. در نظام فعلی پرداخت یارانه، مبالغ بالایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در اختیار مصرف‌کنندگان یا تولیدکنندگان قرار می‌گیرد. تجربه نشان می‌دهد در بیشتر موارد پرداخت غیرهدفمند، در ارتقای درآمد و رفاه اقشار

آسیب‌پذیر تأثیر ندارد و منافع آن، نصیب گروه‌های با درآمد بالا می‌شود. به‌طور کلی می‌توان مشکلات نظام فعلی پرداخت یارانه را به شرح ذیل دانست.*

۱. تخصیص غیربهبینه منابع

تخصیص بهینه منابع از نظر اقتصاددانان نوعی از تخصیص منابع است که در سطح فناوری موجود، بدون کاهش کالاهای دیگر، بیشترین سطح تولید را امکان‌پذیر می‌سازد و از این لحاظ هیچ شکل تخصیص دیگری با آن قابل مقایسه نباشد. پرداخت انواع گوناگون یارانه در بخش‌های گوناگون اقتصادی، منابع و امکانات کشور را به سوی تولید و ارائه هر چه بیشتر کالاها و خدماتی سوق داده است که در تولید آنها از کالاها و مواد مشمول یارانه، بیشتر استفاده می‌شود. در وضعیتی که دولت به قیمت‌گذاری کالاها، خدمات و کنترل قیمت‌ها پرداخته و به اعطای یارانه به برخی از کالاها و خدمات مبادرت کرده، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی انحراف شده است (عسگری‌آزاد، ۱۳۸۶: ۴۱۹ و ابونوری، جعفری صمیمی و محنت‌فر، ۱۳۸۵: ۵۴ - ۴۷).

۲. توزیع غیرعادلانه درآمد و ثروت

در وضعیتی که برنامه مسنجمی برای توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه نباشد، دولت ناچار است به منظور حمایت از اقشار آسیب‌پذیر با پرداخت یارانه‌های گوناگون به بخش‌های تولید، مصرف و خدمات، بخشی از هزینه‌های تولیدکنندگان یا مصرف‌کنندگان را تقبل کند. گرچه توزیع مجدد درآمد فقط یکی از هدف‌های پرداخت یارانه به مصرف‌کنندگان است و این پرداخت‌ها می‌تواند هدف‌های دیگری مانند حفظ ثبات اقتصادی و تخصیص بهینه منابع را نیز داشته باشد اما توزیع یکنواخت یارانه بین تمام افراد و عدم تخصیص آن براساس گروه‌های گوناگون درآمدی در جامعه از اثرهای نامطلوب نظام پرداخت یارانه‌ها است (قادری، رزمی و صدیقی، ۱۳۸۴: ۵۲۹). پیش از پیروزی انقلاب، کالاهای اساسی مشمول یارانه با قیمت ثابت عرضه می‌شد و کمبود آنها از راه واردات تأمین می‌شود و بدون هیچ‌گونه محدودیت مقداری، مورد مصرف قرار می‌گرفت. در نتیجه کسانی که درآمدهای بالاتری داشتند، مقدار بیشتری از آن کالاها مصرف می‌کردند

*. برای مشاهده آمار و ارقام هر بخش می‌توانید به منابع ارجاع داده شده مراجعه کنید.

و به همان اندازه هم سهم بیشتری از یارانه‌ها را به خود اختصاص می‌دادند. بنابراین شکاف عمیقی در بین گروه‌ها و منطقه‌های گوناگون جامعه در دریافت یارانه‌ها وجود داشت. پس از پیروزی انقلاب، اگرچه با پی‌ریزی نظام توزیع عادلانه کالاها و جیره‌بندی کالاهای مشمول یارانه، گام مهمی در جهت توزیع عادلانه یارانه‌ها در بین مصرف‌کنندگان برداشته شد و سهم گروه‌های بالای درآمدی از یارانه‌ها نسبت به سابق کاهش یافت اما چگونگی توزیع یارانه‌ها در دو دهه گذشته به گونه‌ای نبوده است که حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه با عدم مداخله در نظام بازار و در راهی منطقی و عقلایی، اقشار مورد نظر دولت را در برگیرد. پرداخت یارانه‌ها به صورت یکسان برای تمام قشرهای جامعه، از یک طرف هزینه‌های سنگینی را برای دولت دربردارد که تداوم آن در بلندمدت امکان‌پذیر نیست و از طرف دیگر هدف دولت مبنی بر توزیع عادلانه‌تر درآمدها را نیز تامین نمی‌کند. حتی در برخی موارد به علت بالابودن میزان مصرف این کالاها در سبد مصرفی خانوارهای پردرآمد، توزیع یارانه‌ها به نفع قشرهای ثروتمند جامعه متمایل شده است (احمدیان، ۱۳۸۶: ۲۰۱).

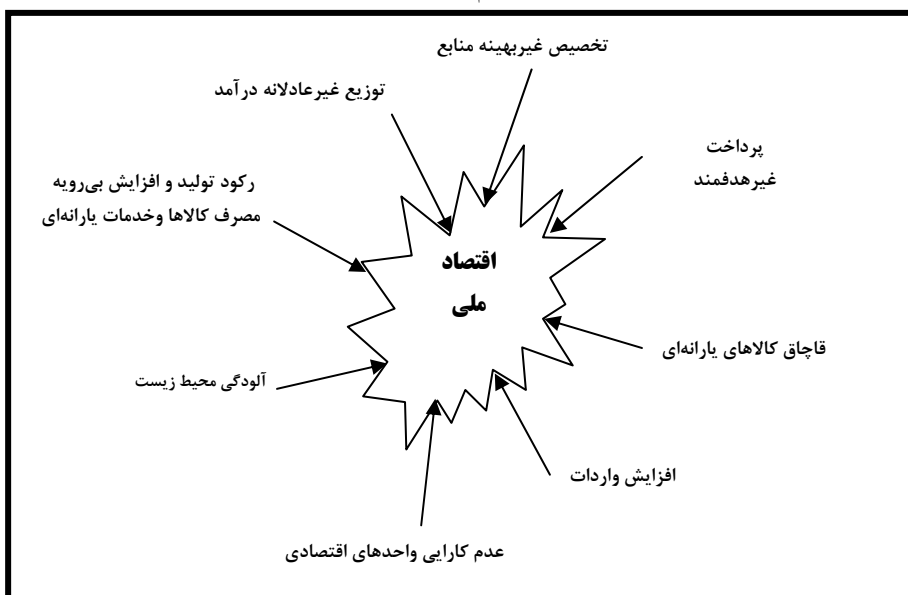
۳. رکود تولید و افزایش بی‌رویه مصرف کالاها و خدمات یارانه‌ای

وجود قیمت‌های یارانه‌ای برای کالاهای اساسی مانند: گندم، روغن نباتی، قند و شکر، سرمایه‌گذاری برای تولید این کالاها را تحت تأثیر قرار داده و از طرف دیگر با افزایش جمعیت و مصرف سرانه، نیاز به واردات کالاهای پیش‌گفته به شدت افزایش یافته است. افزایش عرضه این کالاها نیز به نوبه خود زمینه افزایش قابل توجه قیمت آنها را از بین برده و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای تولید کالاهای یارانه‌ای را از رشد ناچیزی برخوردار ساخته است. افزایش تولید برخی از کالاها که از فهرست کالاهای مشمول یارانه و توزیع کوپنی خارج شده، بیانگر رشد سرمایه‌گذاری و افزایش بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود در سالیان اخیر بوده و با واقعی شدن بهای کالاهای یارانه‌ای میزان خرید از منابع داخلی و در نتیجه سطح تولید داخلی آنها افزایش یافته است.

مصرف بی‌رویه انرژی به علت ارزانی حامل‌های انرژی، باعث عدم گسترش سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مرتبط با کاهش شدت انرژی شده است. قیمت فروش حامل‌های انرژی در ایران ارزان و بسیار کمتر از هزینه تمام شده آن است و قیمت‌های

واقعی آنها از سال ۱۳۵۳ تاکنون همواره روندی نزولی داشته است. همچنین سهم انرژی در سبد هزینه خانوار و نیز سهم انرژی در هزینه تولید بخش صنعت در مقایسه با کشورهای دیگر به نسبت پایین است. قیمت پایین انرژی باعث شده است تا خریداران انگیزه‌ای برای خرید تجهیزات و خدمات با کارایی بالاتر انرژی نداشته باشند و به علت قدیمی بودن فناوری‌های مورد استفاده در دستگاه‌های مصرف‌کننده انرژی زمینه وسیعی برای اسراف در مصرف انرژی در کشور پدید آمده است (توکلی، ۱۳۸۶: ۲۸۰).

شکل ۱: مشکلات نظام فعلی پرداخت یارانه



۴. آلودگی محیط زیست

امروزه به منظور دستیابی به رشد اقتصادی و توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست جنبه حیاتی یافته است. بیشتر آلودگی‌های زیست‌محیطی از مصرف بی‌رویه حامل‌های انرژی پدید آمده که از مهم‌ترین علت‌های آن فقدان سیاست‌های مناسب اقتصادی درباره قیمت‌گذاری است. در جهت انعکاس هزینه‌های واقعی تحمیلی به محیط‌زیست در تمام فرآیندهای تصمیم‌گیری، قیمت‌گذاری واقعی منابع طبیعی به‌ویژه انرژی امری ضرور است و برای جلوگیری از مصرف بی‌رویه انرژی، قیمت‌گذاری صحیح از سیاست جیره‌بندی کارایی بیشتری دارد (دینی، ۱۳۸۶: ۱۹ - ۱۶).

۵. عدم کارایی واحدهای اقتصادی

پرداخت یارانه‌ها که باید به صورت عاملی موقت، برای پدیدساختن تعادل در بازارهای گوناگون و در جهت حفظ و افزایش کارایی صورت گیرد، باعث تداوم ظاهرسازی در بخش‌های تولید، خدمات و بازرگانی شده و سنجش کارایی را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد (مصباحی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

۶. افزایش واردات

پرداخت عام یارانه افزون بر پیامدهای سوء بر تولید و اشتغال به تشدید واردات کالاها نیز انجامیده است. در حقیقت تقاضای فزاینده ناشی از رشد جمعیت و نیازهای جدید و عدم سرمایه‌گذاری در زمینه‌های تولید، زیرساخت‌ها و اشتغال مولد و پایدار بر اثر اعمال سیاست پایین نگه‌داشتن قیمت‌های این نوع کالاها و پرداخت غیرهدفمند یارانه و عدم پدیدساختن انگیزه تولید در بخش کشاورزی و صنعت، سبب شده واردات به صورت ساده‌ترین راه‌حل پاسخگویی به نیازهای مردم مورد توجه قرار گیرد (شیبانی، ۱۳۸۶: ۷۵).

۷. قاچاق کالاهای یارانه‌ای

ارزان‌بودن قیمت برخی از کالاهای یارانه‌ای مانند فراورده‌های نفتی و دارو به تشدید قاچاق این کالاها به خارج از کشور انجامیده است. به عبارتی دیگر یارانه‌های پرداختی به مصرف‌کنندگان خارجی نیز تعلق گرفته است (قادری، رزمی و صدیقی، ۱۳۸۴: ۵۳۶). دولت یارانه قابل ملاحظه‌ای برای واردات بنزین پرداخت می‌کند، این در حالی است که بخشی از بنزین وارداتی به کشورهای هم‌جوار قاچاق می‌شود (پژویان، ۱۳۸۶: ۲۵۹).

۸. پرداخت عام و غیرهدفمند یارانه‌ها

این امر به نوبه خود چهار نقطه ضعف اساسی به شرح ذیل دارد:
ا. هزینه نظام یارانه در مقایسه با منافع تعلق گرفته به فقیران بالا است؛
ب. خانوارهای پردرآمد بیشترین منفعت را از یارانه‌های پرداختی کسب می‌کنند؛

ج. بخش قابل ملاحظه‌ای از منافع یارانه‌ها به وسیله نظام توزیع، خارج می‌شود؛
 د. طیف وسیعی از خانوارهای فقیر از یارانه‌ها محروم هستند (دانش جعفری، ۱۳۸۶: ۷).
 مشکل‌های پیش‌گفته باعث شده است به‌رغم پرداخت هزینه‌های گزاف از سوی
 حکومت، هدف‌های یارانه‌ها محقق نشود؛ بنابراین اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها ضرور
 به نظر می‌رسد.

طرح پرداخت نقدی یارانه‌ها

سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها چند سال است که در اقتصاد ایران مطرح است.
 درباره ضرورت اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، مخالفتی نیست. طرح
 هدفمندکردن تکلیف برای دولت بوده که در برنامه دوم توسعه برخی موارد آن ذکر
 شده و در برنامه‌های سوم و چهارم نیز به‌صورت روشن و قطعی تکلیف آن بر عهده
 دولت گذاشته شده بود.

در این قسمت ابتدا به ذکر منافی که از اجرای این طرح حاصل می‌شود،
 به‌طور خلاصه پرداخته شده سپس انتقادهایی که از سوی برخی کارشناسان راجع
 به پرداخت نقدی یارانه مطرح شده بیان کرده و به این انتقادات پاسخ داده شده
 است؛ سرانجام الزام‌های اجرای این طرح که در نظر گرفتن آنها ضرور به نظر
 می‌رسد مطرح می‌شود.

منافع طرح پرداخت نقدی یارانه‌ها

موافقان طرح باور دارند اکثر آثار سوئی که بر نظام فعلی پرداخت یارانه حاکم است با
 پرداخت نقدی یارانه‌ها حل می‌شوند. در این قسمت به بیان این منافع می‌پردازیم.

واقعی شدن قیمت‌ها

واقعی شدن قیمت‌ها حرکتی روبه جلو در جهت نظام بازار است و باعث می‌شود
 تولیدکننده با تولید مناسب در جهت منافع بنگاه و ایجاد اشتغال در جامعه قدم
 بردارد. همچنین با افزایش اشتغال و تولید، واردات نیز کاهش می‌یابد. واقعی شدن
 قیمت‌ها رفتار مصرف‌کننده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود آنان

بتوانند بر این اساس منابع درآمدی خود را به بهترین صورت مدیریت کنند (دینی، ۱۳۸۶: ۳۱۱ و همو، ۱۳۸۴: ۱۳).

تخصیص بهینه منابع

با اجرای طرح پیش گفته وضعیت بهتری برای عملکرد نیروهای عرضه و تقاضا پدید می‌آید که نتیجه آن استفاده بهینه از منابع است. با این شفافیت، بنگاه‌ها به دنبال بازارهایی می‌گردند که بتوانند بیشترین سود را نصیب خود کنند، در نتیجه سرمایه و نیروی کار در اختیار خود را به بهترین صورت به کار می‌گیرند. به این ترتیب تمام منابع موجود در جامعه به صورت بهینه تخصیص می‌یابند (یونس سینکی، ۱۳۸۶: ۳۶۱ و دینی، ۱۳۸۴: ۱۳).

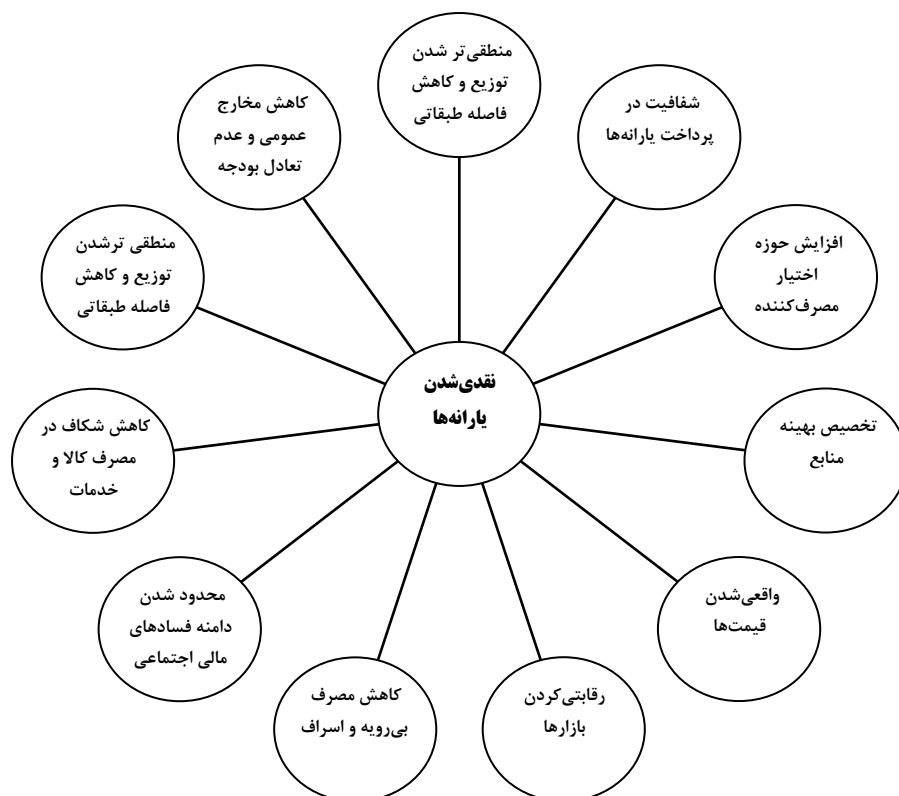
افزایش حوزه اختیار مصرف‌کننده

با آزادسازی قیمت کالاهای یارانه‌ای و پرداخت مستقیم آن به گروه‌های هدف، مردم آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاهای مصرفی خود به دست می‌آورند که مطلوبیت آنان را افزایش می‌دهد. در این حالت مصرف‌کننده با انتخاب‌های بیشتری روبه‌رو می‌شود و با افزایش دامنه انتخاب افراد، رضایت‌مندی آنان افزایش می‌یابد (پالیزدار، ۱۳۸۶: ۲۰۹).

شفافیت در پرداخت یارانه‌ها

با شفاف‌شدن قیمت‌ها، امر سیاست‌گذاری دولت‌ها آسان می‌شود. همان‌طور که گفته شد یکی از مشکلات دولت‌ها در زمینه پرداخت یارانه‌ها این است که یارانه‌های پنهان در حساب‌های ملی یا بودجه انعکاس نمی‌یابند؛ در نتیجه دولت درباره مدیریت آن با مشکل روبه‌رو می‌شود و با اجرای این طرح قسمت بزرگی از یارانه‌های پنهان مانند یارانه انرژی و سوخت به صورت شفاف در می‌آید (کميجانی، ۱۳۸۶: ۴۸۸).

شکل ۲: منافع نقدی شدن یارانه‌ها



کاهش شکاف در مصرف کالاها و خدمات

با پرداخت نقدی مصرف کالاها و خدمات یارانه‌ای در بین گروه‌های هدف و غیرهدف به صورتی تغییر می‌کند که خالص رفاه خانوارهای کم درآمد افزایش و خانوارهای با درآمد بالا کاهش می‌یابد (دینی، ۱۳۸۴: ۲۲).

منطقی تر شدن توزیع و کاهش فاصله طبقاتی

در حال حاضر به علت هدفمند نبودن نظام پرداخت یارانه ۷۰ درصد یارانه‌ها به سه دهک بالا تعلق گرفته است، در حالی که مبنای وضع نظام یارانه حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر و کم کردن فاصله طبقاتی است. در جهت اجرای این طرح با شناسایی خانوارهای هدف و تخصیص هدفمند یارانه به این خانوارها می‌توان به کاهش فاصله

طبقاتی کمک کرد (شریف‌زادگان، ۱۳۸۶: ۳۷۸ و دینی، ۱۳۸۴: ۱۱).

محدود شدن دامنه فسادهای مالی اجتماعی

به دنبال شفاف‌شدن میزان پرداخت‌های یارانه‌ای، احتمال سوءاستفاده‌های مالی از منابع اختصاص یافته به این امر و احتمال شکل‌گرفتن رانت کاهش می‌یابد؛ همین‌طور زدوبندهایی که ممکن است بر سر چگونگی تهیه اقلام یارانه‌ای پدید بیاید.

کاهش مصرف بی‌رویه و اسراف

یکی از علت‌های مصرف بیش از حد کالاهای یارانه‌ای، قیمت‌غیرواقعی آنها است. با اجرای سیاست هدفمندکردن یارانه‌ها مصرف این کالاها به علت واقعی‌شدن قیمت‌ها و همچنین اختیار مصرف‌کننده در تخصیص این منبع درآمدی به غیر کالای یارانه‌ای، کاهش می‌یابد (دینی، ۱۳۸۶: ۳۱۴ و همو، ۱۳۸۴: ۱۳).

کاهش مخارج عمومی و رفع عدم تعادل بودجه‌ای

با اجرای پیش‌گفته طرح، خانوارهای هدف شناسایی شده و فقط به آنها یارانه پرداخت می‌شود، به‌صورتی که دولت نسبت به روش پرداخت همگانی و غیر هدفمند یارانه، میزان کمتری بودجه به این امر اختصاص می‌دهد. بنابراین مخارج عمومی کاهش یافته و احتمال بروز کسری بودجه کاهش می‌یابد (دینی، ۱۳۸۴: ۲۰).

رقابتی‌کردن بازارها

یکی از شرایط رقابتی‌بودن بازار این است که قیمت‌ها واقعی باشند تا بنگاه‌ها بتوانند بر مبنای آن و با هدف دستیابی به سود حداکثری تولید خود را بهینه کنند. بنابراین پرداخت یارانه ورود بنگاه‌های دیگر را به بازار به علت عدم توان در رقابت غیرممکن می‌سازد چون تا زمانی که دولت با قیمت پایین‌تر کالا را ارایه می‌دهد، بنگاه‌ها توان رقابت ندارند (دانش‌جعفری، ۱۳۸۶: ۱۳ و عبادی و قوام، ۱۳۸۸: ۱۴۸ - ۱۴۳).

انتقادات و پاسخ‌های مطرح‌شده به نظام پرداخت نقدی یارانه‌ها

درباره ضرورت اجرای طرح تحول و تغییر فضای اقتصادی کشور مخالفتی وجود ندارد اما درباره چگونگی اجرای طرح، اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. یک دیدگاه باور دارد طرح

پیش گفته به صورت کامل و ناگهانی اجرا شود و در بخش حامل‌های انرژی که اکنون مطرح است محقق شود و هزینه‌های اجرای طرح را دولت متقبل شود. دیدگاه دیگر بیان می‌کند که با توجه به شرایط ویژه اقتصادی، اجرای طرح نیازمند به یک سری مقدمه‌هایی است که در صورت محقق نشدن آن شرایط، امکان اجرای این طرح وجود ندارد. عمده انتقادهای وارده در این باره، به فراهم نبودن این مقدمه‌ها اشاره دارند.

تورم‌زا بودن پرداخت نقدی یارانه

افزایش قیمت‌های حاصل از اجرای طرح از دو روش صورت می‌گیرد:

أ. با حذف یارانه‌ها هزینه تولید برخی کالاها افزایش یافته و سرانجام قیمت فروش آن نیز افزایش خواهد یافت. وقتی قیمت حامل‌های انرژی که یکی از مهم‌ترین عوامل تولید است افزایش پیدا کند، در این صورت قیمت نهایی تولید کالاها افزایش یافته، سرانجام به بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها خواهد انجامید؛

ب. با پرداخت نقدی یارانه‌ها، نقدینگی جامعه افزایش یافته و این امر باعث تشدید تقاضا در خانوارهای کم درآمد شده و تورم شدیدی پدید خواهد آمد، چرا که در این خانوارها مصرف اشباع نشده وجود دارد و هرچه به آنها پرداخت شود، بلافاصله تبدیل به خرید می‌شود (قادری، رزمی و صدیقی، ۱۳۸۴: ۵۳۰).

درباره افزایش قیمت بند «الف» باید گفت افزایش قیمت در طرح پیش گفته، در حقیقت اصلاح قیمت‌ها است و نباید آن را به عنوان تورم شمرد بلکه این پدیده از جنس جهش قیمت است (طبق تعریف، تورم عبارت از افزایش پیوسته و مداوم سطح قیمت‌ها است اما جهش قیمت افزایش یکباره «بدون تداوم» در برخی از قیمت‌ها است). نقدی کردن یارانه‌ها باعث افزایش یکباره قیمت‌ها می‌شود، بنابراین از جنس جهش قیمت است.

واضح است که اصلاح قیمتی باعث فشار بر اقشار کم درآمد جامعه خواهد شد؛ بنابراین باید اقدام‌های حمایتی لازم به همراه نقدی کردن یارانه‌ها انجام شود. در این ارتباط دولت باید به گروه‌های مشخصی که از طرح شناسایی قشرهای آسیب‌پذیر مرکز آمار استخراج شده است، به گونه‌ای کمک کند که فشار ناشی از افزایش هزینه‌ها جبران شود.

اما درباره تورم بند «ب» باید گفت اگر دولت فقط به اجرای سیاست پرداخت نقدی یارانه‌ها همت گمارد و از سیاست‌های مکمل مانند سیاست‌های کنترل نقدینگی استفاده

نکند، این تورم حاصل خواهد شد اما کوتاه‌مدت خواهد بود زیرا در بلندمدت مردم براساس درآمد واقعی خود مصرف خواهند کرد. در نتیجه دولت باید نظارت و کنترل خود بر نقدینگی را در چند ماه نخست اجرای آن شدت بخشد تا اثر تورمی آن به حداقل برسد. ممکن است عده‌ای بیان کنند که طرح، هزینه خانوارها را افزایش می‌دهد اما باید توجه داشت که این افزایش‌ها به صورت مطلق بوده و قیمت‌های نسبی احتمالاً تغییر نخواهد کرد. یعنی با آزاد شدن قیمت‌ها، کالاها گران‌تر عرضه می‌شوند اما همزمان، پرداخت‌های نقدی نیز درآمد مردم را افزایش خواهد داد و سرانجام افزایش هزینه خانوار با افزایش درآمد آن سر به سر می‌شود (سلیمانی و نظریان، ۱۳۸۸: ۱۸۷ و شیانی، ۱۳۸۶: ۸۰).

کاهش صادرات بر اثر نقدی کردن یارانه‌ها

برخی کارشناسان از حذف یارانه صنایع به صورت ضربه‌ای به تولید در کشور یاد می‌کنند و باور دارند صنایع ما به بنیه و توانی نرسیده‌اند که از کمک‌های یارانه‌ای بی‌نیاز باشند. یک کالا وقتی مزیت نسبی برای صادرات و رقابت در بازارهای برون‌مرزی دارد که در مقایسه با کالاهای مشابه خارجی، هزینه تولید پایین‌تری داشته باشد. با حذف یارانه حامل‌های انرژی، هزینه تولید در بخش صنایع افزایش پیدا می‌کند تولیدکنندگان دیگر قادر به رقابت در بازارهای جهانی نیستند.

در اینجا باید پرسید آیا مزیت نسبی حاصل از یارانه، مزیت رقابتی است یا خیر؟ و آیا واقعاً هزینه تولید این کالاها برای اقتصاد کاهش یافته یا بخشی از هزینه‌ی آن به دوش دولت و به عبارت بهتر، مردم و نسل‌های آینده است. با حذف یارانه‌ها، نه تنها مزیت نسبی رقابتی صادرات از بین نخواهد رفت بلکه این سیاست باعث می‌شود منابع تولید به صورت بهینه تخصیص یابد و هزینه واقعی تولید کاهش یابد. یعنی به دنبال حذف یارانه‌ها و واقعی شدن قیمت‌ها، قیمت‌ها جهت صحیح را برای سرمایه‌گذاری نشان می‌دهند و با مشخص شدن مزیت نسبی، تولیدکنندگان می‌توانند صادرات این کالاها را افزایش دهند. البته باید این نکته را پذیرفت که ابتدای امر، برداشتن یارانه‌ها ممکن است بر تولید کالاهای صنعتی و کشاورزی اثر بگذارد. وقتی قیمت حامل‌های انرژی بالا رود، هزینه تمام‌شده آن دسته از کالاهای صنعتی که انرژی بر هستند، افزایش پیدا می‌کند و در صحنه رقابت با بازارهای جهانی دچار مشکل می‌شوند، دولت باید به عنوان سیاست‌های مکمل، ابزارهایی

را برای حمایت از این صنایع و تولیدات پیش‌بینی کند (سلیمانی و نظری، ۱۳۸۸: ۱۹۰).

رابطه قیمت نفت و یارانه

برخی این انتقاد را بیان می‌کنند که منابع مالی این سیاست بر چه اساسی و از کجا تهیه خواهد شد؟ اگر قیمت نفت سقوط کند، منابع برای پرداخت نقدی یارانه‌ها چگونه تأمین خواهد شد؟ در پاسخ به این پرسش، به دو نکته اشاره می‌شود (همان: ۱۹۲).

نخست اینکه، اشکال نوسانی بودن قیمت نفت، نه تنها به یارانه، بلکه به روند بودجه‌نویسی دولت‌ها و به پرداخت غیرمستقیم یارانه‌ها نیز وارد است زیرا منبع تأمین یارانه‌های غیرمستقیم نیز درآمدهای نفتی است. بنابراین این اشکال به کل نظام اقتصادی ما مربوط می‌شود که به جای متکی بودن به مالیات از درآمدهای نفتی بهره می‌برد و این امر به چگونگی پرداخت یارانه‌ها چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم مربوط نمی‌شود.

دوم اینکه، پرداخت یارانه‌ها به صورت مستقیم درباره همه کالاها به جز فرآورده‌های نفتی، نیاز به منابع مالی جدید ندارد، بلکه تغییر پدیدآمده فقط در شکل پرداخت آنها است. به بیان دیگر، در این طرح ابتدا دولت باید منبعی برای پرداخت به مردم فراهم کند اما بعد از افزایش قیمت انرژی، وجوه مورد نیاز برای پرداخت‌های بعدی به مردم فراهم می‌شود.

افزایش نرخ بیکاری و تنبل‌پروری بر اثر پرداخت نقدی

عده‌ای از کارشناسان مطرح کرده‌اند که پرداخت یارانه باعث می‌شود مردم به دولت وابسته شوند و از کار کردن پرهیز کنند و سرانجام نرخ بیکاری افزایش یابد.

در پاسخ باید بیان کنیم که هر چند به هر فرد با پرداخت یارانه، منابع جدیدی تعلق می‌گیرد اما این منابع همراه خود اصلاح قیمت‌ها را نیز به همراه دارد. در نتیجه قدرت خرید افراد را زیاد نخواهد کرد و تأثیر آن بیشتر در افزایش دامنه انتخاب افراد خواهد بود. مردم ممکن است در کوتاه‌مدت براساس درآمد اسمی خود تصمیم بگیرند اما در بلندمدت براساس درآمد واقعی تصمیم می‌گیرند (مصباحی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

پدیدساختن شوک قیمتی و تعطیلی صنایع و کارخانجات

به علت ارزان‌بودن بهای حامل‌های انرژی، اغلب صنایع سودده کشور به شدت انرژی‌بر هستند. با اجرای یکباره سیاست آزادسازی بهای حامل‌های انرژی، این صنایع فرصت

سرمایه‌گذاری و تجدید ساختار را برای کاهش مصرف انرژی از دست داده و به تعطیلی کشیده می‌شوند. و تعطیلی آنها باعث افزایش شدید بیکاری خواهد شد.

در کوتاه مدت - در صورت عدم وجود سیاست‌های حمایتی جانبی - به علت حذف صنایع غیرکارا، بیکاری افزایش خواهد یافت اما در ادامه با کشف مزیت‌های رقابتی و فراهم شدن سیگنال‌های قیمتی به‌طور مسلم سرمایه‌گذاری در کشور افزایش خواهد یافت و نرخ بیکاری کاهش می‌یابد. در حقیقت این امر یکی از الزام‌های اجرای طرح است که دولت با در اختیار قرار دادن بخشی از منابع حاصل از حذف یارانه‌ها به صاحبان صنایع و کارخانجات، به آنها در اصلاح ساختار تولید و کاهش هزینه‌های تولید از راه استفاده از فناوری‌های جدید کمک کند (سلیمانی و نظری، ۱۳۸۸: ۱۹۳).

نیانجامیدن حذف یارانه به اصلاح فرایند تولید

عده‌ای از کارشناسان باور دارند که حذف یارانه از کالاهای عمومی مانند: برق، آب، گاز و مخابرات و ... که تولید و عرضه همگی آنان دولتی است، مشکل‌های جدی پدید می‌آورد زیرا فرایند دولتی این‌گونه کالاها و خدمات، به‌طور عموم با عدم کارایی همراه است و بنابراین قیمت تمام‌شده واقعی آنها بسیار بالا است.

وجود قیمت‌های یارانه‌ای باعث شده که درباره کالاها رقیب جدی خصوصی وجود نداشته باشد، در نتیجه عدم کارایی تولید دولتی و افزایش هزینه‌های تولید در نظام موجود در طی زمان افزایش یافته است اما با حذف یارانه کالاهای پیش‌گفته و واقعی شدن قیمت آنها، زمینه جهت ورود بنگاه‌هایی پدید می‌آیند و به دنبال ورود شرکت‌های خصوصی و رقابتی شدن تولید این کالاها، این مشکل رفع خواهد شد (دینی، ۱۳۸۶: ۳۱۲).

دشواری بودن شناسایی گروه‌های هدف در طرح

چالش شناسایی گروه‌های هدف نیز در انتقادهای بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. شناسایی قشرهای آسیب‌پذیر نیازمند برخورداری از آمار و اطلاعات بخش‌های گوناگون و نیز وضعیت اقتصادی آنها است. از سال ۱۳۶۸ همواره اعلام شده است که باید شناسایی دقیقی نسبت به وضعیت اقتصادی و معیشتی خانوارها حاصل شود. اما تاکنون کامیابی چندانی حاصل نشده است.

در پاسخ باید گفت که در سیاست‌های اصل ۴۴ تصریح شده که دولت باید به شناسایی دهک‌های جامعه به روش علمی اقدام کند. اگر دولت بخواهد بدون تبعیض و به صورت یکپارچه طرح را برای همه مردم اجرا کند، نیازی به شناسایی طبقه‌های گوناگون مردم نیست و اگر بخواهد پرداخت نقدی یکسان نباشد، لیست‌های سازمان حمایتی کافی نخواهد بود و انجام اموری مانند طرح جمع‌آوری اطلاعات خانوار باید با دقت و جدیت بیشتری پیگیری شود (یونس سینکی، ۱۳۸۶: ۳۶۵). یکی از هدف‌های تأسیس وزارت رفاه نیز همین است و در سال‌های اخیر اقدام‌های جدی در این باره صورت گرفته است. در این باره می‌توان از سازمان‌هایی مانند: سازمان تأمین اجتماعی، بهزیستی، صندوق بازنشستگی کشوری و حتی مؤسسه‌های خیریه بهره گرفت.

انبساط بودجه عمومی و گسترش دخالت دولت

به باور برخی پرداخت نقدی یارانه‌ها باعث افزایش حجم بودجه دولت می‌شود. از سوی دیگر، گسترش توزیع اداری منابع، زمینه‌های افزایش فساد اداری را فراهم می‌کند. در این جهت اشاره به این نکته ضرور است که یکی از دلایل توزیع وسیع رانت، وجود فاکتورهای نفت و درآمدهای نفتی و سیاست‌های تبعیضی حمایتی است. پرداخت نقدی یارانه‌ها، یکی از ریشه‌های رانت را از بین می‌برد و از این جهت بسیار ضرور است. کوچک‌سازی و کارآمد کردن دولت از مسائلی است که در این طرح می‌توان دنبال کرد. با کوچک‌شدن دولت زمینه‌های لازم جهت تخصیص عادلانه و بهینه یارانه‌ها به قشر محروم فراهم می‌شود (سلیمانی و نظریان، ۱۳۸۸: ۱۸۷ و یآوری، ۱۳۸۶: ۵۰۶).

بازتاب‌های اجتماعی منفی

برخی باور دارند با توجه به فقدان ساختارهای مناسب و بروز تورم فزاینده احتمال شکل‌گیری ناآرامی‌های اجتماعی و سوءاستفاده سیاسی از آنها وجود دارد. باید توجه داشت که نرخ‌های تورم موجود مردم را عاصی کرده، اگر این نرخ به شدت افزایش یابد برای جامعه غیرقابل تحمل خواهد بود اما می‌توان گفت که با اجرای به موقع سیاست‌های جبرانی و پرداخت به موقع یارانه‌های نقدی و همچنین توجیه منطقی طرح برای مردم می‌توان جلوی ناآرامی‌های احتمالی را گرفت (عسگری آزاد، ۱۳۸۶: ۴۲۲).

الزام‌های اجرای طرح

کامیابی هدفمندکردن یارانه‌ها نیازمند انجام مقدماتها و پیش‌شرط‌های ذیل است:

۱. شناسایی اقشار و فعالیت‌های آسیب‌پذیر

شناسایی اقشار و فعالیت‌های آسیب‌پذیر بُعدهای گوناگونی را در برمی‌گیرد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: بررسی مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی گروه‌های هدف و تعیین گروه‌های اولویت‌دار، ارزیابی روش‌های گوناگون شناسایی گروه‌های هدف مبتنی بر تجربه‌های جهانی و تعیین روش‌های مناسب برای انتخاب واجدین شرایط، طراحی و اجرای نظام پایش و نظارت بر اطلاعات مبتنی بر مؤلفه‌های حفظ کرامت انسانی و حداقل هزینه‌های اداری پایش، پدیدساختن پایگاه‌های اطلاعاتی گروه‌های هدف و ترسیم اطلس جغرافیایی گروه‌های هدف به منظور ارزیابی سیاست‌های منطقه‌ای، و بررسی و پیمایش مستمر تغییر و تحولات اقتصادی - اجتماعی گروه‌های هدف و اطلس پیش‌گفته در طول زمان. با اجرای این برنامه می‌توان نسبت به بهره‌مندی بیشتر گروه‌های هدف اطمینان بیشتر داشت (سبحانی، ۱۳۸۶: ۳۳۹ و استوارت، ۱۹۷۶: ۱۴۵).

۲. اصلاح قیمت

در برنامه اصلاح قیمت ابتدا به احصای اقلام عمده مشمول یارانه‌های پنهان (حامل انرژی، گاز، برق، آب و ...) و محاسبه قیمت تمام‌شده اقلام عمده منتخب پرداخته می‌شود سپس میزان یارانه پنهان و آشکار محاسبه می‌شود. در مرحله بعدی، به برپایی حساب ویژه اصلاح یارانه‌ها، اختصاص منابع حاصل از اصلاح یارانه‌ها، تعیین الگوی مناسب مصرف کالاهای مشمول یارانه و برنامه عمل اصلاح و دستیابی به الگوی مصرف پرداخته می‌شود. سرانجام آثار اجتماعی، اقتصادی و اجرایی اصلاح روش‌های قیمتی و غیرقیمتی یارانه‌ها مبتنی بر مطالعه‌های جامع، تجربه‌های جهانی و مدل‌های تعادل عمومی و جزئی بررسی می‌شود و به تبع آن به افزایش آگاهی عمومی پیش و حین اصلاح یارانه پرداخته می‌شود.

۳. تحلیل آثار کلان هدفمندی

طی این برنامه، به بررسی و ارزیابی آثار هدفمندی یارانه‌ها بر متغیرهای کلان، مانند: تورم، سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال، تجارت خارجی، بودجه، نقدینگی و توزیع درآمد

پرداخته می‌شود (یونس سینکی، ۱۳۸۶: ۳۶۰).

۴. بازتوزیع، جبران زیان دیدگان از اصلاحات

در این برنامه، به اتخاذ انواع روش‌های باز توزیع (حمایت مستقیم، پرداخت‌های نقدی، اصلاح الگوی مصرف و ...) روش‌های اصلاح ساختاری (توسعه حمل‌ونقل عمومی/توسعه بیمه‌های اجتماعی و...) همچنین طراحی اصلاحات نهادی (اصلاح قوانین و مقررات / نهادهای اجرایی) پرداخته می‌شود (دینی، ۱۳۸۶: ۳۲۲).

۵. استمرار طرح

با توجه به قدرت چانه‌زنی پایین خانوارهای فقیر در ساخت قدرت، این احتمال وجود دارد که با روی کار آمدن دولت‌های جدید این سیاست کنار گذاشته شود (به‌ویژه در شرایطی که دولت با کمبود منابع درآمدی روبه‌رو شود). در نتیجه دولت باید تدبیرهای لازم برای اجرای بلندمدت طرح را از راه قانونی پیگیری کند یا برنامه‌ی مدونی برای آینده طرح ارائه کند. به هیچ عنوان نباید در اجرای آن وقفه‌ای پدید آید چرا که نتیجه‌ای جز شکست طرح ندارد (دینی، ۱۳۸۴: ۱۳).

۶. تدریجی بودن اجرای طرح

نباید تغییرها، تند و یکباره باشد. باید پدیدساختن روش‌ها و راه‌های جدید برای زندگی مردم تدریجی باشد و این جزء اصولی است که با توجه به شرایط فرهنگی کشور باید به آن توجه ویژه‌ای داشت (مظاهری، ۱۳۸۶: ۴۹۵).

۷. فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی

برنامه‌های توجیهی درباره روش‌های انجام کار به مردم ارائه شود. باید با مردم صحبت کرد و صادقانه مسائل را گفت. اگر بدانند چه ایده و تحلیلی پشت مسئله است، همکاری می‌کنند اما اگر اطلاعات کافی نداشته باشند، همراهی نمی‌کنند و عدم همراهی مردم کامیابی طرح را با ابهام روبه‌رو می‌کند.

۸. پیش‌پرداخت شدن یارانه‌های نقدی

پرداخت یارانه به خانوارها پیش از اجرای طرح ضرور است. اقدام در این باره می‌تواند

در کنترل انتظارات تورمی و در همراه کردن مردم و اطمینان‌دهی به آنان در این‌باره که دولت در اجرای این کوتاهی نخواهد کرد، موثر باشد. در عین حال این مبالغ باید به‌صورتی مدیریت شوند که تا زمان شروع طرح امکان برداشت وجود نداشته باشد.

۹. اعمال پیش‌بینی‌های لازم درباره کشاورزی، صنایع و حمل‌ونقل

در این‌باره باید تمهیدهایی را اندیشید تا بتوان با مشکل‌های احتمالی در این‌باره مقابله کرد؛ به‌طوری که اجرای طرح باعث رکود آنها نشود. از جمله این تمهیدها می‌توان به مواردی مانند: اعطای تسهیلات مورد نیاز، انجام راهنمایی‌های لازم درباره چگونگی تغییر ساختار تولید، چگونگی مصرف بهینه انرژی در تولید و ... اشاره کرد.

۱۰. پله‌کافی قرار دادن قیمت انرژی نسبت به مقدار مصرف

برای مثال در محاسبه هزینه بهای مصرفی آب و برق و گاز، هر چه میزان مصرف مشترک بالاتر رفت بهای واحد برای وی بالاتر در نظر گرفته شود.

۱۱. مدیریت انتظارات تورمی

یکی از موانع اصلی در برابر اجرای طرح، تورم احتمالی ناشی از آزاد سازی قیمت‌ها است، از طرف دیگر وجود انتظارات تورمی از جمله مواردی است که حتی پیش از اجرای طرح به این مسئله دامن می‌زند. بنابراین دولت باید کاری کند که انتظارات تورمی ناشی از اجرای این طرح به حداقل کاهش پیدا کند. از جمله این راه‌ها جهت‌دهی رسانه‌ها است که نقش به‌سزایی در کنترل و یا حتی دامن‌زدن به انتظارات تورمی دارند. مورد دیگر اطمینان‌بخشی و توجیه‌نخبگان است که باعث آرامش جامعه می‌شود.

۱۲. انعطاف در اجرای طرح

برای مثال تا مدت مشخصی درباره برخی از صنایع باید از قیمت‌های تبعیضی استفاده کرد و به آنها مهلت داد تا ساختار تولیدی خود را اصلاح کنند.

راهکار عملیاتی پیشنهادی

همان‌طور که در دو پیشین‌قبلی مقاله مشاهده شد، بسیاری از ایرادها و ضعف‌هایی که در طرح نقدی‌سازی یارانه‌ها وجود دارد، با در نظر گرفتن الزام‌های طرح، می‌توان آنها را

به طور کامل جبران کرد. از طرف دیگر به نظر می‌رسد می‌توان با انتخاب راهکارهای عملیاتی مناسب، کارآمدی منابع تخصیص داده شده به یارانه‌ها را افزایش داد. مقاله پیش‌رو در این قسمت راهکار عملیاتی پیشنهادی خود را برای کارآمدی پیش‌گفته به طور خلاصه و کلی ارائه کرده است. به نظر می‌رسد برای پرداخت یارانه‌ها در دو بخش خانوارها (مصرف) و بنگاه‌ها (تولید) باید از دو راهبرد گوناگون استفاده کرد:

أ. پرداخت یارانه در بخش خانوارها در قالب نظام تأمین اجتماعی

پرداخت یارانه در بخش خانوارها باید در قالب نظام تأمین اجتماعی صورت گیرد. در اینجا باید بیان داشت که در غیاب نظام تأمین اجتماعی جامع، اجرای طرح پرداخت نقدی یارانه‌ها می‌تواند تبعات اجتماعی غیرقابل پیش‌بینی‌ای به همراه داشته باشد. اگر در کشور ما نظام تأمین اجتماعی کارآمد وجود داشت، به گونه‌ای که از لحاظ کمی، کیفی و عمقی وضعیت قابل قبولی مانند کشورهای توسعه‌یافته داشت، مشکل‌های احتمالی اجرای نقدی کردن یارانه‌ها و حتی حذف آنها یا سیاست‌هایی از این دست به حداقل می‌رسید. با وجود نظام تأمین اجتماعی است که اقشار آسیب‌پذیر و طبقه‌های متوسط از نوسان‌های اقتصادی ناشی از اجرای سیاست‌های ساختاری اقتصادی در امان می‌مانند.

براساس مقوله‌نامه ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار، تأمین اجتماعی عبارت است از:

«حمایتی که جامعه در برابر پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد بر اثر بیکاری، بیماری، بارداری، از کارافتادگی، سالمندی، فوت و همچنین افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده به اعضای خود ارائه می‌دهد» (مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸: ۸ و پناهی، ۱۳۷۸: ۶).

برنامه‌های تأمین اجتماعی سه راهبرد اصلی دارد که می‌توان برای انجام طرح از آنها

بهره برد (حسینی، ۱۳۸۸: ۸۲ - ۶۱):

أ. **راهبردهای بیمه‌ای:** این راهبردها بر اشتغال افراد جامعه مبتنی بوده و شامل بیمه‌های اجتماعی، صندوق‌های احتیاط و مسؤولیت کارفرما می‌شود؛

ب. **راهبردهای حمایتی:** این راهبردها به صورت همگانی است و شامل مساعدت اجتماعی و خدمات اجتماعی می‌شود. این نظام به طور عمده به اعتبارات دولتی وابسته است و دایره وسعت آن در برگیرنده قشرهای آسیب‌پذیر می‌شود؛

ج. **راهبردهای امدادی:** راهبردهای امدادی، شامل کمک‌های دولتی، مردمی و گاه بین‌المللی درباره حادثه‌ها و بلایای طبیعی، مانند: سیل، زلزله، آتش‌سوزی‌های وسیع و همچنین بلایای غیرطبیعی، مانند: جنگ، انفجارهای شیمیایی و اسکان پناهندگان است. هزینه‌های طرح پیش‌گفته از محل درآمدهای دولت، کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای دیگر و کمک‌های بخش‌های عمومی و خصوصی تأمین می‌شود.

همان‌طور که مشخص است، گسترش کمی و کیفی تأمین اجتماعی و گسترش انواع بیمه‌ها به گونه‌ای که سرپرست خانواده چه شاغل باشد و چه بیکار از سطح درآمد و امنیت داشته باشد که به راحتی بتواند در نتیجه اجرای سیاست‌های اقتصادی، سطح قابل‌قبولی از رفاه و امنیت را داشته باشد، اصولی‌تر و منطقی‌تر از پرداخت نقدی یارانه‌ها است و پس از پدیدساختن نظام تأمین اجتماعی مطلوب است که می‌توان یارانه‌ها را نه به صورت پرداخت نقدی که حتی حذف کرد و قیمت‌های نسبی را واقعی کرده و جلوی اتلاف منابع و تخصیص ناکارای عوامل تولید را گرفت. بنابراین پیشنهاد می‌شود که بخش اصلی منابع تأمین اجتماعی را دولت از منابع عمومی بپردازد و به معنای واقعی همه مردم به‌ویژه چند دهک ضعیف‌تر را از سهمی که از منابع عمومی دارند بهره‌مند سازند و این سیاست می‌تواند بدیل مناسبی برای پرداخت نقدی یارانه‌ها باشد. البته سازوکار اجرایی پیشنهاد پیش‌گفته تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبد.

ب. پرداخت یارانه در بخش بنگاه‌ها (تولید) در قالب اصلاح ساختار

مشخص است که منابع غنی زیرزمینی انرژی کشورمان متعلق به همه است و باید صنعت و بنگاه‌های داخلی بتوانند از این مزیت رقابتی در رقابت با بنگاه‌های کشورهای رقیب استفاده کنند. به نظر می‌رسد روش کارآمد برای کمک به بخش بنگاه‌ها از راه یارانه پرداخت نقدی یا کاهش تعرفه‌های دریافتی مربوط به انرژی از آنها نیست؛ بلکه روش کارآمد آن است که در برنامه‌ای منسجم و بلندمدت به بنگاه‌های کشور برای تقویت، استحکام و رشد کمک کرد. برای این کار باید برای نوسازی صنایع و تجهیزات که از مهم‌ترین عوامل انرژی‌بر بودن این بنگاه‌ها است،

یارانه‌های مربوط به بخش تولید، به جای پرداخت نقدی یا جریان در راهی ناکارآمد، به این مهم اختصاص داده شود. شایان ذکر است که اصلاح ساختارهای تولیدی زمان‌بر است چرا که اجرای سریع و بدون برنامه‌ریزی دقیق و شتابدار دولت در انجام این امر، ممکن است باعث رکود شود. برنامه‌ریزی برای اجرای پیشنهاد پیش‌گفته باید به گونه‌ای شود که نوسازی بنگاه‌ها همراه با کاهش اشتغال و کاهش تولید نباشد. همچنین باید در قیمت‌های حامل انرژی نیز ترجیحی عمل شود و بنگاه‌ها برای دریافت این یارانه‌ها در قالب طرح پیش‌گفته اولویت‌بندی شوند.

نتیجه‌گیری

یارانه‌ها در جایگاه یکی از ابزارهای مهم اقتصادی دولت در امر سیاست‌گذاری‌های حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر و بخش‌های خاص تولیدی مورد توجه قرار دارند. برخی ایرادهای موجود باعث شده است تا نظام یارانه کشور ما به بیراهه برود و حتی بر خلاف هدف اصلی آن یعنی حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر و کاهش فاصله طبقاتی پیش برود. در وضعیت فعلی یارانه به صورت غیرهدفمند توزیع می‌شود و به همه اقشار جامعه تعلق می‌گیرد. در نتیجه عدالت و کارایی حکم می‌کند که یارانه‌های هدفمند جایگزین پرداخت یارانه‌های همگانی شود، چرا که نظام فعلی، گروه‌های ثروتمند را بیشتر از گروه‌های آسیب‌پذیر بهره‌مند می‌کند؛ بنابراین هدفمند کردن یارانه‌ها تکلیفی است برای دولت که از برنامه دوم توسعه به بعد اقدام‌هایی در این جهت صورت گرفته است و حتی برخی قوانین مانند مدیریت خدمات کشوری براساس آن شکل گرفته‌اند.

در حال حاضر، عده‌ای باور دارند هدفمند کردن یارانه‌ها بر مبنای پرداخت نقدی یارانه‌ها ایده‌ای است که در صورت اجرا خانوارهای آسیب‌پذیر بیشترین بهره را از آن خواهند داشت اما اجرای طرح مستلزم در نظر گرفتن تمهیدهایی است که عدم توجه به آنها اجرای طرح را دشوار می‌کند. از جمله این الزام‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ا. همکاری تمام اجزای حکومت و مردم در پیشبرد طرح؛
 ب. شناسایی دقیق خانوارهای آسیب‌پذیر؛
 ج. تنویر افکار عمومی و برگزاری برنامه‌های توجیهی و توضیحی؛
 د. تبیین مبانی و تعیین ارقام، شیوه و سرعت اصلاحات قیمتی؛
 هـ. تحلیل کلان آثار قیمتی؛

و. بررسی روش‌های بازتوزیع و جبران زیان‌دیدگان از خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی و
 مقاله پیش‌رو طرحی را برای پرداخت یارانه‌ها پیشنهاد داده است که براساس آن یارانه‌ها به‌صورت کارآمدتر به اقشار نیازمند جامعه تعلق می‌گیرد. در صورت اجرای صحیح و موفقیت‌آمیز طرح و التفات کامل به الزام‌های آن می‌توان انتظار داشت که منافی مانند آنچه که در ذیل ذکر شده است نصیب جامعه اقتصادی ما شود:

- ا. شفاف و منطقی شدن قیمت‌ها؛
 ب. تخصیص بهینه منابع؛
 ج. افزایش حوزه اختیارات مصرف‌کننده؛
 د. شفافیت در میزان پرداخت یارانه؛
 هـ. گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی؛
 و. محدود شدن دامنه فسادهای مالی و اقتصادی؛
 ز. رقابتی شدن بازار؛
 ط. کاهش مصرف کالاهای یارانه‌ای و ...؛
 ظ. کاهش اتکای بودجه دولت به درآمد نفت؛
 ک. کاهش تورم ساختاری ناشی از تزریق درآمدهای نفتی و

منابع و مأخذ

أ. فارسی و عربی

۱. ابونوری، اسمعیل، جعفری صمیمی، احمد و محنت فر، یوسف، ۱۳۸۵ش، *جستارهای اقتصادی*، ش ۵.
۲. احمدیان، محمدعلی، «اقتصاد یارانه»، *مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه*، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۳. بابایی، نعمت‌الله، دینی، علی، رییس‌دانا، فریبرز، رفیعی، حسن و غروی نخجوانی، احمد، ۱۳۸۰ش، «بررسی و نقد گزارش نظام هدفمند یارانه‌ها در ایران»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۱، ش ۲.
۴. پالیزدار، عباس، ۱۳۸۶ش، «اقتصاد یارانه»، *مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه*، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۵. پژوهشگران، جمشید و امین رشتی، ۱۳۸۳ش، «نارسیس، یارانه‌ها و خطاهای نوع اول و دوم»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ش ۱۳.
۶. پژوهشگران، جمشید، ۱۳۸۶ش، «اقتصاد یارانه»، *مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه*، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۷. پناهی، بهرام، ۱۳۷۶ش، *اصول و مبانی تأمین اجتماعی*، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۸. تودارو، مایکل، ۱۳۶۸ش، *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات توسعه اقتصادی*، ترجمه غلام‌علی فرجادی، اول.
۹. توکلی، احمد، ۱۳۸۶ش، «اقتصاد یارانه»، *مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه*، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۱۰. حسینی، سیدرضا، ۱۳۸۸ش، «تأمین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی»، *دو فصلنامه جستارهای اقتصادی*، ش ۱۱.
۱۱. دانش جعفری، داوود، ۱۳۸۶ش، «اقتصاد یارانه»، *مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه*، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.

۱۲. دینی‌ترکمانی، علی، ۱۳۸۶ش، «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۱۳. دینی‌ترکمانی، علی، «یارانه‌ها، رشد و فقر»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۵، ش ۱۸.
۱۴. رحیمی، عباس، ۱۳۷۵ش، بررسی اقتصاد یارانه، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران: انتشارات پایگان، سوم.
۱۵. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۰ش، نظام هدفمند یارانه‌ها، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۶. سبجانی، حسن، ۱۳۸۶ش، «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول، ۱۳۸۶.
۱۷. سلیمانی محمد و نظری، محمدعلی، ۱۳۸۸ش، «ساماندهی نظام توزیع یارانه در دولت نهم»، فصلنامه برداشت دوم، سری جدید، سال ششم، ش ۹.
۱۸. شریف‌زادگان، محمدحسین، ۱۳۸۶ش، «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۱۹. شبیانی، ابراهیم، ۱۳۸۶ش، «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۲۰. عبادی، جعفر و قوام، محمدحسین، ۱۳۸۶ش، «هدفمندسازی یارانه دارو، از دو منظر عدالت و کارایی»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۸۶.
۲۱. عسگری‌آزاد، محمود، ۱۳۸۶ش، «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۲۲. فرج‌زاده، زکریا و نجفی، بهاء‌الدین، ۱۳۸۳ش، «اثرات کاهش یارانه مواد غذایی بر مصرف‌کنندگان در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۲۰.
۲۳. قادری، سیدفرید، رزمی، جعفر و صدیقی، عسگر، ۱۳۸۴ش، «بررسی تأثیر پرداخت یارانه مستقیم انرژی بر شاخص‌های کلان اقتصادی با نگرش سیستمی»، نشریه دانشکده فنی، ج ۳۹، ش ۴.
۲۴. کمبجانی، اکبر، ۱۳۸۲ش، «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۲۵. مصباحی مقدم، غلامرضا، ۱۳۸۶ش، «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۲۶. مظاهری، طهماسب، ۱۳۸۶ش، «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۲۷. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، فساد مالی و اقتصادی، ۳، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۲۸. مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۸ش، نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (خلاصه گزارش)، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۲۹. وزارت بازرگانی، ۱۳۸۰ش، هدفمند نمودن یارانه‌ها و پرداخت آنها به شکل مستقیم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
۳۰. یآوری، کاظم، ۱۳۸۶ش، «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۳۱. یونس سینکی، حسن، ۱۳۸۶ش، «اقتصاد یارانه»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد یارانه، تهران: وزارت بازرگانی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.

ب. انگلیسی

1. Sreewart franses and Paul streeten, 1976, "new strategies for development", oxford economic papers.
2. OECD, 2005, *Bank Profitability*. OECD Paris.
3. Barr, Nicholas, 2004, *Economics of the Welfare state*, New York, Oxford, University Press.
4. Nafziger, E.Wayne, 1990, "The economics of Developing Countries" Secen Edition, Tokyo, Prentice - Hall International Editions.
5. Foster, William E. Calvin, Linda S. Johns, Grace M. and Rottschaefer, Patricia, 1896, "Distributional Welfare Implications of an Irrigation Water Subsidy", *American Journal of Agricultural Economics*, Vol. 68, No. 4.